

کد کنترل

118

E



118E

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه

۹۸/۱۲/۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) – سال ۱۳۹۹

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی – کد (۲۱۳۰)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

Konkur.in

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی – فقه – اصول	۹۰	۱	۹۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

۱۳۹۹

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَقْ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۱۰)

۱- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) ﴿ هَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيُشْفِعُوا لَنَا ﴾: آیا برای ما شفیعیانی هستند تا ما را شفاعت کنند!
 - ۲) ﴿ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ﴾: در آن از حد و اندازه مگذرید که غضب من بر شما فرود آید!
 - ۳) ﴿ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي ... فَأَصْدَقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴾: چرا آجل مرا به تأخیر نینداختی ... تا صدقه دهم و از صالحان باشم!
 - ۴) ﴿ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴾: خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و صبر پیشه نمودند، مشخص نکرده است!
- ۲- « وَيَحْكُ! إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ، فَلَا تَعْدُ نُمُثْلَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ! ». عَيْنِ الصَّحِيحِ: وای بر تو!

- ۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی‌افتد، و سببی است که از آن در نمی‌گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگرد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!
- ۲) هر سر رسیدی را اجلی است معین که از آن نمی‌گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی‌کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می‌باشد بر زبان تو!
- ۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی‌گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی‌کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفی را بر زبانت جاری ساخت!
- ۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی‌کند، و علتی است که از آن در نمی‌گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگرد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

۳- « أَنَا لَا أَحِبُّ أَنْ أَخْذَعَ نَفْسِي عَنْ نَفْسِي، كَمَا لَا أَحِبُّ أَنْ أَخْذَعَ النَّاسَ عَنْهَا! ». عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!
- ۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!
- ۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!
- ۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

۴- «و من لا یغضض عینه عن صدیقه و عن بعض ما فیه، یمت و هو عاتب!»:

- ۱) هر آنکس که از دوست خود و از برخی عیوبی که در اوست چشم‌پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- ۲) هر کس چشمان خود را بر عیب‌هایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- ۳) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش‌کننده است!
- ۴) هر که چشم خویش را از عیب‌هایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، درحالی از دنیا می‌رود که عتاب‌کننده است.

۵- «و لو رأتی فی نار مسعرة ثم استطاعت، لذات فوقها خطبا!»:

- ۱) اگرچه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- ۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- ۳) چنانچه مرا در آتش سوزان ببیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- ۴) اگر مرا در آتشی افروخته ببیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

۶- «و وضع الندی فی موضع السیف بالعلّا مضراً، کوضع السیف فی موضع الندی!». عین غیرالمناسب لمفهوم البيت:

- ۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش
 - ۲) نیکویی ار در محل خود نبود
 - ۳) نیکویی کنی بجای تو نیکویی کنند باز
 - ۴) نکوئی با بدان کردن چنان است
- ظلم باشد به غیر موضع خویش!
ظلم خوانندش ار چه بد نبود!
ور بد کنی بجای تو از بد بتر کنند!
که بد کردن بجای نیک مردان!

۷- «من یزرع الشوک لا یحصد به العنبا!». عین الأكثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- ۱) از نی بویا شکر نخوری!
- ۲) بدی را بد بود آخر مکافات!
- ۳) ز زمین شوره سنبل برنیاید!
- ۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم!

۸- «چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد!»:

- ۱) کیف الاستدلال بوجودك بما مفتقر إلى وجودك!
- ۲) کیف یستدلّ علیك بما هو فی وجوده مفتقر إلیك!
- ۳) کیف یمكن الاستدلال عنك بواسطة التی محتاج إلیك!
- ۴) کیف نستطیع أن نستدلّ بوجودك بمن هو محتاج إلی وجودك!

۹- « مسألة اسلام در بينش معتقدانش، از رهبري گرفته تا رهروي، مسألة دعوتی است زنده و پويا در همه سطوح! »:

(۱) في معتقد المؤمنين بالاسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح القاعدة حتى القيادة و على جميع الأصعدة!

(۲) في وعي المؤمنين بالاسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح الزعيم حتى القاعدة و على جميع السطوح!

(۳) إن مسألة الإسلام في معتقد المعتقدين به و على سطح الزعامة حتى التبعية، إنها مسألة دعوة نشطة و حية على جميع السطوح!

(۴) إن مسألة الإسلام في وعي المؤمنين به على مستوى القيادة حتى القاعدة، هي مسألة دعوة نشطة و متحركة في كل صعيد!

۱۰- « نفوذ و توسعه دانش و فرهنگ اسلامي در اروپا، یکی از عوامل اصلی ظهور رنسانس در قرن ۱۵ بوده است! »:

(۱) كان نفوذ و انتشار العلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا أحد العوامل الرئيسية لحدوث النهضة العلمية في القرن الخامس عشر!

(۲) إن نفوذ و توسيع العلم و الثقافة الإسلامية في بلاد أوروبا كان من العوامل الأصلية لبروز النهضة الثقافية في قرن الخامس عشر!

(۳) كان لنفوذ و توسعه العلوم و الثقافات الإسلامية في أوروبا العامل الرئيسي لإيجاد الانبعاث الثقافي في القرن الخامس عشر!

(۴) إن النفوذ و النشر للعلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا هو العامل الأصلي في حصول الانبعاث الثقافي في قرن الخامس عشر!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشکیل (۱۱-۱۳)

۱۱- « كم الساعة الآن و كم دقيقة انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق! ». عین الخطأ:

(۱) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق

(۲) كم . الساعة . دقيقة . انتظرت . الثانية

(۳) كم . دقيقة . انتظرت . الساعة . خمس

(۴) دقيقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس

١٢- عین الصحيح:

- (١) اِخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَاَلِنْ جَانِبَكَ وَاَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ،
- (٢) وَاَسِ يَنْتَهُم فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي خَيْفِكَ لَهُمْ،
- (٣) وَا لَا يَنَاسُ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسْأَلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادَةٍ،
- (٤) عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنَّ يُعَذَّبُ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ!

١٣- عین الخطأ:

- (١) يُقَالُ إِنَّ الْمُرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ تَضْمِينُ الْإِسْتِعَانَةِ،
- (٢) وَ مَنْ تَرَكَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي صَلَاتِهِ بَطَلَتْ الصَّلَاةُ،
- (٣) سَوَاءٌ كَانَتْ قَرَضًا أَوْ نَفْلًا، كَمَا يَجِبُ الْجَهْرُ بِهَا وَ لَا يَجُوزُ الْخَفْتُ،
- (٤) إِلَّا أَنَّ جَمِيعَ هَذِهِ الْمَسَائِلِ خِلَافٌ فِيهَا بَيْنَ الْفُقَهَاءِ!

■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفي (١٤-١٨)

١٤- ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ، إِنْ كَفَرْتُمْ، يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾. عین الصحيح:

- (١) يَوْمًا: مفعول به لفعل «تَتَّقُونَ» و منعوت لجملة «يجعل...» و الرابط محذوف، تقديره «يجعل فيه...»
- (٢) الْوِلْدَانَ: اسم مثنى مذكر، و فاعل لفعل «يجعل» و مرفوع بالالف، و «شيبًا» مفعول به و منصوب
- (٣) شيبًا: جمع «أشيب» و صفة مشبهة و لا مؤنث له على وزن فعلاء، و نعت و منصوب بالتبعية
- (٤) تَتَّقُونَ: فعل مضارع من باب تفعل، لفيف مفروق و له إبدال الواو إلى التاء ثم إدغام التاءين

١٥- «إِذَا أَنْتَ رُمِيتَ بِعَدَاوَةٍ فَلَا تَيَاسَنَّ!». عین الصحيح:

- (١) تَيَاسَنَّ: فعل مضارع مجرد ثلاثي، و مبني على الفتح لوجود تون التوكيد الثقيلة و مجزوم محلاً بحرف «لا» الناهية و فاعله ضمير النون البارز
- (٢) أَنْتَ: ضمير منفصل مرفوع و نائب الفاعل و في محل رفع، و هو مبذل من ضمير التاء المتصل، و الجملة فعلية و في محل جرّ، مضاف إليه
- (٣) رُمِيتَ: فعل ماضٍ مبني للمجهول أو مبني للمفعول، و نائب فاعله ضمير التاء البارز، و الجملة فعلية و خبر و في محل رفع
- (٤) إِذَا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة، و ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان، متعلقه فعل «رُمِيتَ»

۱۶- « لو أَنَّهُمْ كَانُوا يُلَاقُونَ مِثْلَ مَا تُلَاقِي، لَكَانُوا فِي الْمَضَاجِعِ مِثْلَنَا! ». عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) يُلَاقُونَ، تُلَاقِي: مضارع من باب مفاعلة، معتل و لقيف مفروق، إعلاله بالحذف
- (۲) كَانُوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الاولي): يُلَاقُونَ؛ (الثانية): في المضاجع
- (۳) المضاجع: منتهى الجموع و ممنوع من الصرف، و منعوت للنعت «مِثْلَنَا»
- (۴) مِثْلٌ: الاولی: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر «كان» المفرد و منصوب

۱۷- « أَعَزَّ بِنَا وَ أَكْفٌ، إِنْ دُعِينَا يَوْمًا إِلَى نَصْرَةٍ مِنْ يَلِينَا! ». عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (۱) أَكْفٌ: فعل جامد لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مبني على حذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت»
- (۲) أَعَزَّ: فعل جامد لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مضاعف و ممتنع الإدغام، فاعله ضمير «نا» المجرور في اللفظ بالباء الزائدة، و الجملة فعلية
- (۳) يَلِي: فعل مرفوع بضمة مقدرة و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و صلة للموصول «من» و عائدها الضمير المستتر
- (۴) دُعِينَا: فعل ماضٍ مجرد ثلاثي و مبني للمجهول أو للمفعول، معتل و ناقص و إعلاله بالقلب، نائب فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية و شرطية

۱۸- « وَ لَمْ أَرْ كَالْمَعْرُوفِ، أَمَّا مَذَاقُهُ فَحَلْوٌ، وَ أَمَّا وَجْهُهُ فَجَمِيلٌ! ». عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (۱) أَمَّا: حرف شرط و تفصيل، مذاق: مصدر ميمي و مبتدأ و مرفوع و خبره المفرد «حلو» و اقترانه بالفاء واجب
- (۲) كَالْمَعْرُوفِ: الكاف اسم بمعنى «مثل» مفعول به و منصوب محلاً لفعل «أر»، المعروف: اسم مفعول و مضاف إليه و مجرور
- (۳) أَرْ: مضارع من مزيد ثلاثي (باب إفعال)، معتل و ناقص، و له إعلال حذف الهمزة وجوباً، مجزوم بحذف حرف العلة
- (۴) لَمْ أَرْ: «لم» حرف نفي و نقل، «أر»: للمتكلم وحده من فعل مجرد ثلاثي، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا» و الجملة فعلية

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (۱۹-۳۰)

۱۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: إِنَّ الْمَصْدَرَ «إِتْمَارٌ» مَأْخُذٌ مِنْ مَادَّةِ

- (۱) «يَمِرُّ» و لا غير
- (۲) «يَمِرُّ» أو «مِتر»
- (۳) «أَمِرُّ» و لا غير
- (۴) «أَمِرُّ» أو «وَمِرُّ»

۲۰- « عُدَاة - أَرْزَاء - غَدَاء - مِبْرَاة ». عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْأَوْزَانِ:

- (۱) فُعْلَةٌ . فُعْلَاء . فُعْلَاء . مِفْعَلَةٌ
(۲) فُعْلَةٌ . أفعال . فَعَال . مِفْعَلَةٌ
(۳) فُعَال . فُعْلَاء . فُعْلَاء . مِفْعَال
(۴) فُعَال . أفعال . فُعْلَاء . مِفْعَال

۲۱- عَيْنُ مَا كُلُّهُ مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ:

- (۱) طَوْس . حَضَر . مَوْت . أَرْمَل
(۲) بَلَخ . لِيَالٍ . حَمَزَة
(۳) شَوْش . ثَلَاث . تَلْفِيزِيُون
(۴) هِنْد . جَوْعَى . مَنَازِرَة

۲۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّنْصِيفِ:

- (۱) مِيعَاد ← مُبِيعِيد / شَاعِر ← شَوْبِعَر
(۲) مُوقِظ ← مُوْقِيطُ / مَوْعِد ← مُوْعِيد
(۳) أَرْض ← أَرِيضَة / أَحْلَى ← أَحْيَلِي
(۴) شَمْس ← شَمْسِيَة / مَرِيَم ← مَرِيَم

۲۳- ﴿لَوْلَا أَنْ مَنْ اللَّهَ عَلَيْنَا﴾. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِ « أَنْ »:

- (۱) مَوْصُولٌ حَرْفِي
(۲) زَائِدَةٌ لِلتَّأْكِيدِ
(۳) مَخْفُفَةٌ مِنَ الثَّقِيلَةِ
(۴) مَفْسَرَةٌ لِمَا قَبْلَهَا

۲۴- عَيْنُ « كَمْ » لَا يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ اسْتِفْهَامِيَّةً:

- (۱) كَمْ إِجَابِيَّةٌ أَجَبْتُ حَتَّى الْآنَ!
(۲) كَمْ سَاعَ بَيْنَكُمْ فِي الصَّفِّ!
(۳) كَمْ بَشْرَى أَبْشَرْتَهُمْ بِهَا!
(۴) كَمْ طَالَعْتُ مِنْ كُتُبٍ مَفِيدَةٍ!

۲۵- عَيْنُ الْخَطَا فِي جَوَابِ الشَّرْطِ:

- (۱) إِنْ قُمتَ بِهَذَا الْمَسْعَى الْمَحْمُودِ فَوَاللَّهِ تَلْهَجُ الْأَلْسَنَةُ بِذِكْرِكَ!
(۲) إِنْ تَخَلَّصَ اللَّهُ الْعَمَلِ وَاللَّهُ يُضَاعَفَ لَكَ الْأَجْرُ أَضْعَافًا!
(۳) الْكِتَابُ وَاللَّهُ إِنْ تَطَالَعَهُ فَهُوَ خَيْرٌ جَلِيسٍ!
(۴) وَاللَّهُ إِنْ انْتَقَيْتُمْ لِيَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَخْرَجًا!

۲۶- عَيْنُ الْخَطَا (فِي بَابِ الْعَدَدِ):

- (۱) مَتَى تُعِيدَ لِي أَلْفَ التُّومَانِ الَّذِي أَسْلَفْتَهُ إِيَّاكَ مِنْ قَبْلِ؟
(۲) مَتَى تُعِيدِينَ لِي الْاِثْنَيْ عَشَرَ كِتَابًا الَّذِي أَعْرَتْهَا إِيَّاكَ؟
(۳) إِنِّي لَمْ أَطَالِعْ حَتَّى الْآنَ الْإِحْدَى وَالْعِشْرِينَ مَقَالَةً الَّتِي اسْتَعْرَتْهَا مِنَ الْمَكْتَبَةِ!
(۴) إِنِّي لَمْ أَطَالِعْ الْكُتُبَ الثَّلَاثَةَ وَالْخَمْسَ مَقَالَاتِ الَّتِي اسْتَعْرَتْهَا مِنَ الْمَكْتَبَةِ حَتَّى الْآنَ!

۲۷- عَيْنُ النَّوَاوِ لَا تَكُونُ إِلَّا مَعِيَّةً:

- (۱) كُلُّ طَالِبٍ وَجَهْدُهُ مُتَلَازِمَانِ فِي الْعَمَلِ!
(۲) إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُنَا وَإِيَّاكُمْ لَوْ كُنَّا كَادِحِينَ!
(۳) نَجَحْتُ وَ اِثْنَتَيْنِ مِنْ زَمِيلَاتِي فِي الْامْتِحَانِ!
(۴) بَعْدَ غِيَابِ الشَّمْسِ طَلَعَ النُّجْمُ وَالْقَمَرُ فِي السَّمَاءِ!

۲۸- عَيْنِ الْخَطَا (في باب الاختصاص):

- (۱) عليكم معشر الطلبة نعتمد!
(۲) علي أيها البطل يعول في القتال!
(۳) عليهم الأبطال تعتمد الأمة!
(۴) بنا رجال الغد تتعلق آمال الأمة!

۲۹- عَيْنِ الْخَطَا (في باب التنازع):

- (۱) اجتهدت و أكرمتكما الطالبان!
(۲) قامت و قعدن المؤمنات في الصلاة!
(۳) أيدناهم و أيدنا المواطنين!
(۴) جاهدوا و انتصر المسلمون في طريق الحق!

۳۰- عَيْنِ الْخَطَا للفراغ: « سيفوز طلبة الصف بجوائز و لا سيما ... منهم! »

- (۱) المجد (۲) المجد (۳) المجدون (۴) المجدين

۳۱- استنباه در حفظ، در دو عقد ودیعه و وکالت چگونه است؟

- (۱) در ودیعه بالعرض و در وکالت بالذات است.
(۲) در ودیعه بالذات و در وکالت بالعرض است.
(۳) در هر دو بالذات است.
(۴) در هر دو بالعرض است.

۳۲- حکم اشترای مدت در عقد مضاربه کدام است؟

- (۱) فسخ عقد مضاربه در طول مدت جایز است ولی تصرف بعد از مدت بدون اذن مالک صحیح نیست.
(۲) عقد مضاربه غیرقابل فسخ می شود و تصرف بعد از مدت هم نیز بدون اذن مالک صحیح نیست.
(۳) عقد مضاربه غیرقابل فسخ می شود و تصرفات بعد از مدت هم نیاز به اذن مالک ندارد.
(۴) عقد مضاربه قابل فسخ است و تصرف بعد از مدت هم مانند قبل، صحیح است.

۳۳- بنابر دیدگاه شهیدین، در صورتی که در ضمن عقد نکاح شرط عدم نکاح مجدد شود، حکم عقد نکاح اول و شرط

آن و ازدواج دوم به ترتیب کدام است؟

- (۱) باطل - باطل - باطل
(۲) صحیح - صحیح - باطل
(۳) صحیح - باطل - صحیح
(۴) صحیح - باطل - باطل

۳۴- با توجه به عبارت زیر کدام گزینه درست است؟

«الخطبة بعد اجابة الغير منها او من وكيلها او وليها...»

(۱) يجوز لاصالة البرائه

(۲) يصح لأن الخطبة لا تكون عقداً

(۳) تحرم لنهاي النبي عنها في الرواية المحمولة على الحرمة

(۴) تكره لان النهي في قول النبي محمول على الكراهة جمعاً بين الاخبار

۳۵- در صورتی که زوج در عقد دائم قبل از دخول از دنیا برود، حکم عده زوجه کدام است؟

(۱) باید نصف عده وفات یعنی دو ماه و پنج روز عده نگه دارد.

(۲) چون دخول صورت نگرفته، هیچ عده ای ندارد.

(۳) باید چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد.

(۴) به میزان سه طهر باید عده نگه دارد.

۳۶- حکم عاریه دادن عین مستعاره توسط مستعیر به شخص ثالث، کدام است؟

- (۱) باتوجه به اذن اول معیر جایز است.
- (۲) تنها در صورت اذن مالک جایز است.
- (۳) باتوجه به این که عاریه اذن در انتفاع می باشد، جایز است مطلقاً.
- (۴) چون عین مستعاره در ید مستعیر امانت می باشد، جایز نیست مطلقاً.

۳۷- مقصود از «و تجوز علی کل عمل محلل مقصود» در عقد جعاله کدام است؟

- (۱) عقد جعاله بر اعمال حلال و با اغراض عقلایی واقع می شود.
- (۲) عقد جعاله بر اعمال شرعی که مدتظر متعاقبین است، واقع می شود.
- (۳) عقد جعاله بر اعمال واجب شرعی و حلال و دارای منفعت معینه جایز است.
- (۴) عقد جعاله با رضایت طرفین حلال و جایز بوده و باید مقصود هر دو طرف باشد.

۳۸- متن زیر چگونه کامل می شود؟

«و لو ظهر فیها ای فی الاجرة عیب فللاجیر الفسخ او الارش ...»

- (۱) اذا ذكر الفسخ فی متن العقد
 - (۲) مع التعین للاجرة فی متن العقد
 - (۳) اذا ذكر الارش فی متن العقد
 - (۴) مطلقاً سواء تعین الاجرة فی متن العقد أم لا
- ۳۹- مقصود از «مملوکه له بالاصالة» و «او بالتبعیة» در عبارت «و لابد من كون المنفعة مملوكة له او لمولاه سواء كانت مملوكة له بالاصالة او بالتبعیة» به ترتیب کدام ملکیت است؟

- (۱) منفعت عینی که در تملک اوست - نماءات عینی که در اجاره اوست
- (۲) منفعت عینی که در تملک اوست - منفعت عینی که در اجاره اوست.
- (۳) منفعت عینی که در اجاره اوست - نماءات عینی که در اجاره اوست.
- (۴) منفعت عینی که در اجاره اوست - منفعت عینی که در تملک اوست.

۴۰- مدت حمل در وصیت برای جنین با فرض حضور زوج کدام است؟

- (۱) کمتر از ۶ ماه از زمان وصیت
 - (۲) پس از ۹ ماه از زمان وصیت
 - (۳) پس از ۱۰ ماه از زمان وصیت
 - (۴) پس از یکسال از زمان وصیت
- ۴۱- حق شفعه شریک در صورتی که عقد بیع با تقابیل یا به جهت خیار عیب فسخ شود، چگونه است؟

- (۱) در صورت تقابیل ساقط نمی شود ولی در صورت فسخ به سبب خیار عیب، ساقط می شود.
- (۲) در صورت تقابیل ساقط می شود و در صورت فسخ به سبب خیار عیب ساقط نمی شود.
- (۳) در هر دو صورت ساقط می شود.
- (۴) در هیچ کدام ساقط نمی شود.

۴۲- کدام گزینه در مورد تأثیر علم قاضی در صدور حکم درست است؟

- (۱) حکم قاضی مطلقاً در موارد حق الهی و حق الناسی درست است.
- (۲) حکم قاضی در موارد حق الناسی صحیح و در حق الهی نادرست است.
- (۳) حکم قاضی در موارد حق الهی صحیح و در حق الناسی نادرست است.
- (۴) حکم بر پایه علم قاضی برای امام معصوم صحیح و برای غیر معصوم مطلقاً نادرست است.

۴۳- در صورتی که زنی از دنیا برود و وراثت او، زوج، پدر و مادر و دو دختر باشند، سهم الارث دختران کدام است؟

- (۱) $\frac{5}{12}$
- (۲) $\frac{6}{12}$
- (۳) $\frac{7}{12}$
- (۴) $\frac{8}{12}$

- ۴۴- کدام گزینه در مورد «اجاره اعمال» درست است؟
 (۱) یکره آن یضمّن عوض ما تلف بیده بناءً علی ضمان الصانع
 (۲) لو جمع بین المدة و العمل فالاقرب الصحة و ان قصد التطبيق
 (۳) لو جعل اجرته علی تقديرین فالاقرب البطلان للترديد و عدم معلومية الاجرة
 (۴) لو كان المستأجر وصياً أو وكيلاً لم یجز له تسليم الاجرة قبل العمل و لو مع الاذن أو لشاهد الحال
- ۴۵- آیا دعاوی مبتنی بر ظن و گمان مسموع است؟
 (۱) مطلقاً مسموع است.
 (۲) مطلقاً مسموع نیست.
 (۳) در دعاوی کیفری مسموع و در سایر موارد مسموع نیست.
 (۴) در دعاوی کیفری مسموع نیست و در سایر موارد مسموع است.
- ۴۶- طبق دیدگاه شهیدین، «حکم بر غائب» در کدام مورد صحیح است؟
 (۱) فقط در صورتی که غیبت وی ناشی از عذر باشد. (۲) در دعاوی حق الناسی
 (۳) فقط در دعاوی حق الهی (۴) در عموم دعاوی
- ۴۷- کدام گزینه در مورد قابلیت نقل و انتقال حق قبول در وصیت تملیکی درست است؟
 (۱) مطلقاً غیرقابل انتقال است.
 (۲) مطلقاً به وارث منتقل می شود.
 (۳) در صورتی که موصی له در زمان حیات موصی بمیرد به وارث منتقل نمی شود.
 (۴) قابل انتقال به وارث است، مگر این که غرض موصی به شخص موصی له تعلق گرفته باشد.
- ۴۸- عبارت زیر تعریف کدام یک از اقسام شرکت است؟
 «بیشترک شخصان فصاعداً لعقد لفظی علی أن یکون بینهما ما یکتسبان و یربحان و يلتزمان من غرم و یحصل لهما من غنم»
 (۱) وجوه (۲) مفاوضه (۳) عنان (۴) اعمال
- ۴۹- کدام مورد درباره عدم ذکر مهر در نکاح دائم، درست است؟
 (۱) عقد نکاح مطلقاً باطل است.
 (۲) عقد نکاح در صورتی صحیح است که در عدم ذکر مهر اهمال کرده باشند.
 (۳) چنانچه دخول واقع شود مهرالمثل ثابت است و قبل از دخول، عقد باید تجدید شود.
 (۴) عقد نکاح صحیح است خواه در ذکر مهر اهمال کرده باشند و یا صریحاً نفی کرده باشند.
- ۵۰- کدام گزینه در مورد عقد مضاربه مطابق دیدگاه شهیدین درست است؟
 (۱) و لو فسخ المالك فلیس للعامل شیء الا حصّة مما ظهر من الربح
 (۲) تجوز المضاربة بالدرهم و الدنانیر معینا لامشاعاً
 (۳) و لیشتّر نقداً بنقد البلد بثمان المثل فما فوّه
 (۴) و لیشتّر بعین المال، الا مع الاذن فی الذمة
- ۵۱- کدام گزینه در مورد «معامله صبی» درست است؟
 (۱) لا یصح بیع الصبی مع فی الاشیاء الثمينة و یصح فی غیرها
 (۲) یصح بیع الصبی مع الاذن و لاتفید الاجازة بعده
 (۳) لا یصح بیع الصبی مطلقاً لأنه مسلوب العبارة
 (۴) یصح بیع الصبی مع اذن الولی أو اجازته

۵۲- طبق نظر شهید اول، حکم توبه زانی اگر زنا با بیته ثابت شده باشد، کدام است؟

- (۱) توبه قبل از قیام بیته، همه اقسام حد زنا را ساقط می کند و بعد از قیام بیته موجب اسقاط، نیست.
- (۲) توبه بعد از قیام بیته صرفاً موجب اسقاط حد رجم است و در فرض توبه قبل از قیام بیته، اختیار با حاکم است.
- (۳) توبه قبل از قیام بیته باعث اختیار حاکم در عفو یا اجرای حد است و توبه بعد از قیام بیته موجب اسقاط حد نخواهد بود.
- (۴) توبه قبل از قیام بیته موجب اسقاط حد رجم است اما حد جلد ساقط نیست و بعد از قیام بیته توبه اثری در اسقاط حد ندارد.

۵۳- در بیع سلم، اگر نسبت به بعض ثمن، شرط تأجیل شود، حکم چیست؟

- (۱) شرط باطل است اما بیع صحیح است.
 - (۲) بیع نسبت به کل مبیع، باطل است.
 - (۳) بیع نسبت به مقدار مؤجل از ثمن، باطل است.
 - (۴) شرط صحیح است و بیع نیز نسبت به کل مبیع صحیح است.
- ۵۴- طبق نظر شهید ثانی، اگر مقر به عمل منافعی عفت، شخصی را نام ببرد که با او چنین عملی را انجام دادم، چه کیفری دارد؟
- (۱) به همان مرتبه اول اقرار حد زنا و قذف بر او جاری خواهد شد.
 - (۲) اگر دو مرتبه چنین اقرار کند حد قذف بر او جاری است نه حد زنا.
 - (۳) با اقرار مرتبه اول حد قذف بر او جاری می شود ولی حد زنا با کمتر از اقرار چهارگانه جاری نمی شود.
 - (۴) اگر چهار مرتبه چنین اقرار کند هم مستحق حد زنا است و هم حد قذف بر او جاری می شود و به کمتر از چهار مرتبه اقرار، حدی بر او جاری نمی شود.

۵۵- طبق دیدگاه شهید ثانی آیا رضایت محال علیه در صحت عقد حواله شرط است؟

- (۱) هیچ گاه رضایت محال علیه شرط نیست.
- (۲) همیشه رضایت محال علیه در باب حواله شرط است.
- (۳) اگر محیل در طلبکاری آسان گیر تر از محتال باشد رضایت محال علیه شرط است و الا رضایت او شرط نیست.
- (۴) در فرضی که جنس مورد حواله با جنس حق محتال تفاوت داشته باشد و غرض استیفاء مثل حق او باشد، رضایت محال علیه شرط است.

۵۶- دیدگاه شهید ثانی، در خصوص «لو جهل المدیون صاحب الدین و یئس منه» کدام است؟

- (۱) التخییر بین الصدقة، و الدفع الی الحاکم، و ابقائه فی یده
- (۲) التخییر بین الصدقة و الدفع الی الحاکم فقط
- (۳) تعین دفعه الی الحاکم
- (۴) تعین التصدق به عنه

۵۷- عبارت «لو اختلف المستأجر و الاجیر فی هلاک المتاع المستأجر علیه ...» با کدام گزینه کامل می شود؟

- (۱) حلف الاجیر، لانه منکر لما یدعیه المستأجر
- (۲) حلف المستأجر، لأصاله عدم الهلاک
- (۳) يتحالفان، لان کلاً منهما مدع و منکر
- (۴) حلف الاجیر، لانه امین

۵۸- حدوث العیب بعد العقد لا يمنع الخيار اذا كان المبيع حیواناً و كان حدوث العیب

- (۱) فی الثلاثة من جهة المشتري و بعد الثلاثة من غیر جهة المشتري
- (۲) فی الثلاثة من جهة المشتري أو غیره
- (۳) بعد الثلاثة من غیر جهة المشتري
- (۴) فی الثلاثة من غیر جهة المشتري

- ۵۹- به نظر شهید ثانی، قبض عین موقوفه مشاع چگونه محقق می شود؟
 (۱) با اذن واقف در منقول و غیرمنقول
 (۲) با اذن واقف و شریک در منقول و غیرمنقول
 (۳) با اذن واقف و شریک در منقول و اذن واقف در غیرمنقول
 (۴) با اذن شریک در منقول و اذن واقف و شریک در غیرمنقول
- ۶۰- توضیح عبارتی که زیر آن خط کشیده شده کدام است؟
 «کل ما یصح الانتفاع به مع بقاء عینه تصح إعارته و إجارته ینعکس فی الإجارة کلیاً دون الإجارة»
 (۱) كلما یصح الانتفاع به مع ذهاب منفعه تصح إجارته و اعارته
 (۲) كلما یصح الانتفاع به مع ذهاب عینه تصح إجارته و اعارته
 (۳) كلما لا یصح الانتفاع به الا بذهاب منفعه لا تصح إجارته
 (۴) كلما لا یصح الانتفاع به الا بذهاب عینه لا تصح إجارته
- ۶۱- حداقل دلالت فعل معصوم و ترک او به ترتیب کدام است؟
 (۱) اباحه - عدم وجوب
 (۲) وجوب - کراهت
 (۳) اباحه - کراهت
 (۴) استحباب - حرمت
- ۶۲- موضوع مباحث حجیت علم اصول فقه بنابر دیدگاه مظفر کدام است؟
 (۱) ادله اربعه مطلقاً
 (۲) ادله اربعه با وصف دللیت
 (۳) ادله اربعه بدون وصف دللیت
 (۴) اعم از ادله اربعه و هر چیزی که حجیت آن مورد ادعا واقع شود.
- ۶۳- دیدگاه مظفر در خصوص جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه در صورتی که مخصص لبی باشد، چیست؟
 (۱) جواز تمسک مطلقاً
 (۲) عدم جواز تمسک مطلقاً
 (۳) تفصیل میان مخصص عقلی ضروری و غیرضروری
 (۴) تفصیل میان مخصص کاشف از ملاک و مقید عنوان عام
- ۶۴- حکم ظاهری برای چه مکلفی جعل شده و دلیل دال بر آن چه نام دارد؟
 (۱) مکلف مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقاهتی گویند.
 (۲) مکلف فقیه که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقاهتی گویند.
 (۳) مکلف اعم از فقیه و مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل فقاهتی گویند.
 (۴) مکلف اعم از فقیه و مقلد که در حکم واقعی شک داشته و به آن دلیل اجتهدی گویند.
- ۶۵- مقصود از واجب معلق چیست؟
 (۱) زمان واجب از زمان وجوب تأخر دارد.
 (۲) زمان واجب بر زمان وجوب تقدم دارد.
 (۳) زمان فعلیت واجب معلق بر زمان فعلیت وجوب است.
 (۴) زمان فعلیت وجوب معلق بر زمان فعلیت واجب است.
- ۶۶- تفسیر نهی به «طلب ترک» براساس چه نوع دلالتی است؟
 (۱) عقلی
 (۲) تضمنی
 (۳) التزامی
 (۴) مطابقی

۶۷- مقتضای قاعده اولیه در باب ظنون با استناد به آیات قرآن کریم است و تنها در صورت می توان از قاعده اولیه خارج شد.

- (۱) عدم جواز عمل به ظن - وجود دلیل قطعی بر حجیت ظن ناشی از یک اماره
- (۲) عدم جواز عمل بر ظن مطلقاً - وجود دلیل عقلی بر ثبوت ظن
- (۳) جواز عمل بر ظن مطلق - با وجود دلیل عقلی
- (۴) جواز عمل بر ظن نوعی - اثبات روایات

۶۸- کدام مورد مطابق با دیدگاه مظفر در باب حجیت اجماع منقول است؟

- (۱) مطلقاً حجت است اعم از کاشفیت نزد ناقل و منقول الیه
- (۲) مطلقاً حجت نیست اعم از کاشفیت نزد منقول الیه و ناقل چون ادله حجیت خبر واحد شامل آن نمی شود.
- (۳) تنها در صورت کاشفیت نزد ناقل حجت است چون ادله حجیت خبر واحد فقط حجیت را برای او ثابت می کند.
- (۴) تفصیل بین مواردی که نزد منقول الیه کاشف از حکم باشد و در این صورت حجت بوده یا فقط نزد ناقل کاشف باشد که حجت نیست.

۶۹- استدلال به سنت بر حجیت خبر واحد بنابر نظر مظفر بر چه اساسی صحیح می شود؟

- (۱) تواتر معنوی (۲) تواتر لفظی (۳) تواتر اجمالی (۴) تواتر تفصیلی

۷۰- کدام گزینه در تعریف «مقدمات مفوته» درست است؟

- (۱) مقدماتی که با آمدن آنها، ذی المقدمه فوت می شود.
- (۲) مقدماتی که باید فوت شود تا ذی المقدمه وجود پیدا کند.
- (۳) مقدماتی که اگر فوت شود مانعی برای ذی المقدمه ایجاد نمی کند.
- (۴) مقدماتی که ترک آن قبل از زمان واجب باعث فوت واجب در وقتش می شود.

۷۱- در مبحث مفهوم شرط، دلالت جمله شرطیه بر کدام مورد درست است؟

- (۱) بر ترتب جزا بر شرط، به اطلاق
- (۲) بر شرطیت انحصاری، به اطلاق
- (۳) بر شرطیت استقلال ناشی از انصراف
- (۴) بر علقه لزومیه ناشی از وضع ادوات شرط

۷۲- کدام گزینه در خصوص تخصیص عام به مفهوم مخالف درست است؟

- (۱) ظهور عام از ظهور مفهوم مخالف اقواست، تخصیص صورت نمی گیرد.
- (۲) ظهور مفهوم مخالف از ظهور عام اقواست، تخصیص صورت می گیرد.
- (۳) خاص مفهومی قرینه عرفی برای کشف مراد از عام است، تخصیص صورت می گیرد.
- (۴) هیچ یک از آن دو به صورتی بر دیگری مقدم نیست، کلام مجمل است و تخصیص صورت نمی گیرد.

۷۳- آیه نفر، بنابر نظر مظفر بر کدام گزینه دلالت می کند؟

- (۱) وجوب قبول خبر واحد و قبول فتوای مجتهد بر عامی در صورت اطمینان
- (۲) وجوب قبول خبر واحد و قبول فتوای مجتهد بر عامی
- (۳) وجوب قبول خبر واحد در صورت افاده علم
- (۴) تنها بر وجوب قبول خبر واحد مطلقاً

۷۴- حدیث «من كان علی یقین فشك، فليمنض علی یقینه؛ فان الشك لا ينقض اليقین» از نگاه شیخ انصاری چه دلالتی دارد؟

- (۱) مجمل است و بر هیچ یک دلالتی ندارد.
- (۲) دلالت آن بر حجیت استصحاب نزدیک تر است.
- (۳) دلیل بر حجیت استصحاب و قاعده یقین است.
- (۴) دلالت آن بر حجیت قاعده یقین و شک ساری نزدیک تر است.

۷۵- در تعارض دو جمله «افعل کذا» و «لا یجیب کذا» کدام گزینه درست است؟

(۱) هر دو، تعارض و تساقط می کنند.

(۲) اولی مقدم است، چون امر ظهور در وجوب دارد.

(۳) دومی نص و مقدم است و اولی حمل بر استحباب می شود.

(۴) هر دو تعارض می کنند و تخییر برای مکلف حاصل می شود.

۷۶- در مبحث مفهوم شرط، قضیه شرطیه محققة الموضوع چه نوع قضیه ای است؟

(۱) مقدم خود موضوع حکم بوده و امکان بقاء تالی بدون آن منتفی می باشد.

(۲) قضیه ای که حکم معلق بر موضوع بوده و از نوع قضیه شرطیه سالبه الموضوع است.

(۳) تالی بر موضوعی که در مقدم ذکر شده معلق بوده و امکان بقاء تالی در هر صورت وجود دارد.

(۴) قضیه ای که تحقق موضوع در آن مورد شرط قرار گرفته و از نوع قضیه شرطیه سالبه المحمول است.

۷۷- در مورد تبعیت دلالت از اراده نظر صحیح چیست؟

(۱) الدلالة منحصره فی التصدیقیه منها و هی تابعة للارادة

(۲) الدلالة اعم من التصوریة و التصدیقیه و الاولى تابعة لعلم السامع بالوضع و الثانية تابعة للارادة

(۳) الدلالة اعم من التصوریة و التصدیقیه و الحق ان القول بالتبعیة فی الاخیره دائماً و فی الاولى احياناً

(۴) ان الدلالة غیر تابعة للارادة کما ان طريقة الباب دالة على وجود الشخص فی حالته وجود الارادة و عدمها

۷۸- شرط معتبر در مشتق مورد نظر اصولیان کدام است؟

(۱) ان يكون جارياً على الذات مع زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۲) ان يكون جارياً على الذات مع عدم زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۳) ان يكون جارياً على الذات فی حال عدم امکان زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

(۴) ان يكون جارياً على الذات من دون الفرق من جهة زوال الذات بزوال تلبسها بالصفة

۷۹- بنابر نظر مظفر مقصود از یقین در عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک ابدأ» در صحیح زرارۀ مطلق یقین است یا

خصوص یقین به وضو، به چه دلیل؟

(۱) مطلق یقین به جهت الف و لام جنس (۲) مطلق یقین به خاطر مناسبت حکم و موضوع

(۳) خصوص یقین به وضو به دلیل وجود الف و لام عهد (۴) خصوص یقین به وضو به خاطر خصوصیت مورد

۸۰- مقتضای اصل لفظی و عملی در دو مسئله تداخل اسباب و مسببات به ترتیب کدام است؟

(۱) مقتضای اصل لفظی در اولی عدم تداخل و در دومی تداخل و مقتضای اصل عملی در هر دو تداخل

(۲) مقتضای اصل لفظی در هر دو عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی عدم تداخل و در دومی تداخل

(۳) مقتضای اصل لفظی در هر دو عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل

(۴) مقتضای اصل لفظی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل و مقتضای اصل عملی در اولی تداخل و در دومی عدم تداخل

۸۱- گزینه صحیح نزد مظفر در مورد اصول لفظیه مانند اصالة الحقيقة کدام است؟

(۱) بازگشت همه اصول لفظیه به اصالة الظهور است و بازگشت اصالة الظهور به اصالة عدم قرینه.

(۲) نزد عقلا یک اصل بیش نیست که همان اصالة الظهور است و سایر اصول به آن رجوع می کند.

(۳) همه اصول لفظیه مستقل اند و هیچ اصلی به اصل دیگر رجوع نمی کند.

(۴) بازگشت همه اصول لفظیه به اصل عدم القرینه می باشد.

- ۸۲- نظر مظفر در مورد قید مندوحه در اجتماع امر و نهی کدام است؟
 (۱) لازم نیست، چون تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی‌شود.
 (۲) لازم است، چون بدون قید مندوحه اجتماع امر و نهی در واحد تحقق نمی‌یابد.
 (۳) لازم نیست، چون نزاع جهتی است و تعدد عنوان در تعدد معنون کفایت می‌کند.
 (۴) لازم است، به دلیل اشتراک نظر طرفین نزاع بر عدم جواز اجتماع امر و نهی در صورت نبود مندوحه
- ۸۳- در کدام یک از صورت‌ها، هر دو احتمال حمل بر نسخ و حمل بر تخصیص موجود است، نظر مظفر در این باب چیست؟
 (۱) ورود عام بعد از وقت عمل به خاص، حمل بر نسخ
 (۲) مجهول بودن تاریخ ورود عام و خاص، حمل بر نسخ
 (۳) ورود خاص بعد از وقت عمل به عام، حمل بر تخصیص
 (۴) ورود خاص قبل از وقت عمل به عام، حمل بر تخصیص
- ۸۴- کدام گزینه برای «شهرت فتوایی» تعریف مناسبی است؟
 (۱) فتوای شایعی که فاقد هرگونه مستند روایی است.
 (۲) فتوای شایعی که دارای مستند روایی ناشناخته است.
 (۳) فتوای شایعی که مستند آن خبر خاص شناخته شده‌ای است.
 (۴) فتوای شایعی که یا فاقد مستند روایی است و یا مستند روایی ناشناخته دارد.
- ۸۵- طبق دیدگاه مظفر کدام مورد در خصوص رابطه بنای عقلا و آیات ناهی از ظن در مبحث حجیت خبر واحد درست است؟
 (۱) آیات نهی از اتباع ظن نسبت به سیره عقلا رادعیت دارد.
 (۲) خبر واحد از عموم آیات ناهی از ظن تخصیصاً خارج است.
 (۳) عمل به خبر ثقه در طریقه عقلا عمل به ماورای علم نیست.
 (۴) عموم آیات ناهی از ظن، همه اشکال خبر واحد را دربرمی‌گیرد.
- ۸۶- طبق دیدگاه مظفر، مستفاد از حدیث «سألت عن رجل اختلف عليه رجلان من اهل دینه فی أمر، كلاهما یرویه، احدهما یأمر بأخذہ و الاخر ینہاہ عنه، کیف یصنع؟ فقال: یرجئہ حتی یلقی من یخبرہ، فهو فی سعة حتی یلقاه» چیست؟
 (۱) توقف در مقام فتوا و تخییر در عمل
 (۲) تخییر در مقام فتوا و توقف در عمل
 (۳) توقف در مقام فتوا و عمل
 (۴) تخییر بین دو خبر متعارض
- ۸۷- دور مطرح در مورد «تبادر» چگونه قابل پاسخ است؟
 (۱) علمی که تبادر بر آن توقف دارد ارتکازی و علمی که متوقف بر تبادر است، اجمالی می‌باشد.
 (۲) علمی که تبادر بر آن توقف دارد اجمالی و علمی که متوقف بر تبادر است، تفصیلی می‌باشد.
 (۳) علم متوقف بر تبادر علم اجمالی است و علمی که تبادر بر آن توقف دارد، تفصیلی است.
 (۴) علم متوقف بر تبادر علم ارتکازی بوده و علمی که تبادر بر آن توقف دارد، تفصیلی است.
- ۸۸- آیه شریفه «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه» در چه صورتی بر اصل برائت دلالت دارد؟
 (۱) مقصود از ایتاء، اقدار و مقصود از ما، مال باشد.
 (۲) مقصود از ایتاء، اعطاء و مقصود از ما، مال باشد.
 (۳) مقصود از ایتاء، اقدار و مقصود از ما، حکم شرعی باشد.
 (۴) مقصود از ایتاء، اعطاء و مقصود از ما، حکم شرعی باشد.
- ۸۹- بنابر نظر شیخ انصاری، آیات مربوط به اصل برائت، نسبت به قول وجوب احتیاط در شبهه تحریمیة چگونه است؟
 (۱) بر آن وارد است. (۲) آن را باطل می‌کند. (۳) آن را باطل نمی‌کند. (۴) بر آن حکومت دارد.

۹۰- مقصود از «آثار» و «رفع» بنابر نظر شیخ انصاری در حدیث رفع، به ترتیب چیست؟

- (۱) آثار شرعیه، خصوص رفع آثار
- (۲) آثار شرعیه، اعم از رفع و دفع آثار
- (۳) آثار شرعیه و عادیّه، خصوص رفع آثار
- (۴) آثار اعم از شرعیه و عادیّه و عقلیه، اعم از رفع و دفع آثار



سایت کنکور

Konkur.in